

نویسنده: دوگ باندو «Doug Bandow».
منبع و تاریخ نشر: کاتوانستیتیوت «2024-11-15»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

ترامپ باید آمریکایی ها را مقدم بر شرکای
خارجی قرار دهد

• ***Trump Must Put Americans Before Foreign 'Partners'***

برای حفظ امنیت و رفاه ایالات متحده، قطار خاکستر دفاعی باید پایان یابد.

*To keep the U.S. safe and prosperous, the defense gravy train must
end*



در دنیایی که مدت‌ها به نام همبستگی و امنیت به جمع کردن پول نقد و سربازان عمو سام عادت داشت، انتظار برای بازگشت دونالد ترامپ به دفتر بیضی شکل برای «همپیمانان» و «شریک‌های» فرضی واشنگتن دردناک است. آنها مدت‌ها پیش هنر معامله با ایالات متحده را آموختند و ادعای ناتوانی و آسیب‌پذیری داشتند و در عین حال التماس برای صدقه آمریکا می‌داشتند.

از این رو چندین دهه تضمین‌های امنیتی، وام‌ها و کمک‌های مالی، محموله‌های تسلیحاتی و استقرار نیروها وجود دارد. عمو سام درازای آن فقط ستایش و تمجید دائمی و به ویژه اعتراف به اینکه آمریکا قدرت اساسی است که جهان آزاد بدون آن نمی‌تواند عمل کند، چه رسد به زنده ماندن که می‌خواست. حتی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پیمان ورشو، مقامات واشنگتن هر گسترش اتحاد را جشن می‌گرفتند، مهم نیست عضو جدید چقدر بی‌معنا یا بی‌ربط باشد. گسترش پیوسته ناتو به سمت روسیه، به عنوان مثال، به کشور **مونت‌نگرو** و همسایه دیگر روسیه، **فنلاند**، اضافه شد که هیچ کدام برای امنیت ایالات متحده اهمیتی ندارند.

وابستگان دفاعی آمریکا که ناامید از حفظ جایگاه خود در نقش دفاعی واشنگتن بودند، با کاهش محبوبیت **جو بایدن**، رئیس‌جمهور آمریکا، زود آماده شدن را آغاز کردند. آنها با دولت او برنامه ریزی کردند تا یا رانه‌ها و اولویت‌ها را برای افراد ظاهراً بیچاره و در مانده در خارج از کشور قفل کنند. این تلاش پس از آنکه پنهان کردن ناتوانی ذهنی فزاینده رئیس‌جمهور غیرممکن شد، شتاب گرفت. انتصاب "شاد" معاون رئیس‌جمهور **کامالا هریس** به عنوان نامزد دموکرات ریاست جمهوری برای مدت کوتاهی روحیه را در خارج از کشور، به ویژه در آسیا و اروپا تقویت کرد، زیرا دوستان دروغین آمریکا چیزی بیش از یک نادان مطیع و مطیع به عنوان رئیس‌جمهور نمی‌خواهند. سپس، افسوس، 5 نوامبر فرا رسید.

اکنون دولت‌های خارجی به چاپلوسی‌های بی‌شرمانه روی آورده‌اند و همیشه وانمود می‌کنند که پیروان **ترامپ** هستند. اکنون میست گزارش داد: **ولودیمیر زلنسکی**، رئیس‌جمهور اوکراین، و **بنیامین نتانیاهو**، نخست‌وزیر اسرائیل، مانند شرکت‌کنندگان در مسابقه‌های مسابقه‌ای که سعی می‌کنند ابتدا صدای زنگ را بزنند، برای تبریک پیروزی **دونالد ترامپ**، هر کدام به دلایل بسیار متفاوت، رقابت کردند. عجله این رهبران و دیگر رهبران در سراسر جهان، مانند **امانوئل ماکرون** از فرانسه و **لای چینگ‌ته** از تایوان، برای خوشحالی خود با رئیس‌جمهور بعدی آمریکا، خطرات و فرصت‌هایی را که آنها در دوران ریاست جمهوری آقای **ترامپ** پیش‌بینی می‌کنند آشکار می‌کند. سیاست خارجی غیر قابل پیش‌بینی بودن اوست.

اگرچه **ترامپ** در دوره اول ریاست جمهوری خود تمایلی برای به چالش کشیدن گهگاهی وضع موجود فرسوده و قدیمی نشان داد، اما نشان داد که در برابر بدگویی‌های حنایی از سوی افراد ماهر در دوشیدن دولت ایالات متحده آسیب‌پذیر است. وقتی مقامات

خارجی صحبت می کنند، **ترامپ** باید تبلیغات خودروی «جو ایسوزو» را تقریباً 40 سال پیش به یاد بیاورد. جو مضحک ترین ادعاها را مطرح می کند و پس از آن صدا پیشگی "او دروغ می گوید". وقتی زلنسکی و نتانیا هو، ماکرون و لای و بقیه در برابر **ترامپ** دست به تلافی می زنند و التماس می کنند، او هم باید همین را بشنود. جوهر روابط بین الملل در هشت دهه گذشته سوء استفاده دولت های خارجی از ایالات متحده بوده است. اینکه آنها مایل به انجام این کار هستند چیز جدیدی نیست. جوهر سیاست خارجی هر کشوری، پیشبرد منافع خود به قیمت سایر کشورهاست. این بدان معنا نیست که فرصتی برای سود متقابل وجود ندارد. با این حال، تعداد کمی از مقامات دولتی در هر کجا سیاست هایی را برای کمک به دیگران طراحی می کنند. کشورها به ندرت چیزی جز اندک پول نقد را برای تلاش های بشردوستانه قربانی می کنند. نفوذ، امنیت و موقعیت تقریباً همیشه بر انگیزه های بنیادی غلبه می کند

متأسفانه، **عمو سام** میلیاردها دلار را برای "کمک های خارجی" هدر داده است که باعث تقویت سیاست های اقتصادی و اقتدارگرایانه سیاسی شدید شده است. بدتر از آن، ده ها هزار آمریکایی بی دلیل جان خود را از دست داده اند و تریلیون ها دلار به طرز احمقانه ای در جنگ های احمقانه خارجی هدر رفته اند. متحدانی که پتانسیل تبدیل شدن به شرکای امنیتی جدی را دارند، کودکانه شده و از به عهده گرفتن مسئولیت ملت ها و مناطق خود دلسرد شده اند. مقامات ایالات متحده که باید روی رسیدگی به مشکلات داخلی آمریکا تمرکز می کردند، ترجیح داده اند به عنوان ارباب زمین، اگر نه جهان، بازی کنند

زلنسکی، نتانیا هو و لای به درستی سه چالش اصلی پیش روی سیاست ایالات متحده را نشان می دهند. **زلنسکی** ناامید است که آمریکا را به جنگ اوکراین با روسیه بکشاند. تنها چند ماه پس از درگیری، او به دروغ حمله موشکی اشتباه کشورش در لهستان را به گردن مسکو انداخت و خواستار ورود **نا تو** به جنگ شد. در صورت عدم موفقیت، او امیدوار بود که یکی دیگر از اعضای **نا تو** را جذب کند، که به طور طبیعی می تواند ایالات متحده را به یک جنگجو تبدیل کند. او از واشنگتن خواسته است که به او اجازه دهد از سلاح های آمریکایی برای بمباران خاک روسیه استفاده کند، حتی اگر ایالات متحده هرگز اقدام مشا به روسیه یا شخص دیگری را نمی پذیرد. اکنون او در حال لابی گری است تا کمک های آمریکا را در جریان نگه دارد، خواه تفاوتی ایجاد کند یا خیر.

زلنسکی را نمی توان به خاطر هیچ یک از اینها سرزنش کرد. او به سادگی ملت خود را در اولویت قرار می دهد. این چیزی است که دولت ها برای انجام آن ایجاد شده اند. در واقع، او شکایت معتبری علیه سیاست ایالات متحده دارد. واشنگتن و متحدانش با دروغ گفتن به دولت های **گورباچف** و **یلتسین** در مورد گسترش **نا تو** تا مرزهایش، به ایجاد بحران کنونی کمک کردند. سپس ایالات متحده و دیگر اعضای **نا تو** به کیف در مورد آوردن این کشور به ناتو دروغ گفتند. دولت های اروپایی بعدی در مورد تلاش برای حل

مناقشه از طریق توافقنامه مینسک دروغ گفتند. در نهایت، ایالات متحده از مذاکره با روسیه خودداری کرد و اوکراین را از انجام این کار منصرف کرد.

به جای پرداخت هزینه برای ادامه یک جنگ بی نتیجه و مخرب، ایالات متحده باید برای پایان آن فشار بیاورد. ترامپ در یک تماس تلفنی پس از انتخابات ظاهراً از ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه خواست تا جنگ را تشدید نکند، اما هیچ دلیل قانع کننده ای برای مسکو برای توقف در زمانی که در حال به دست آوردن قلمرو است، ارائه نکرد. ایالات متحده و اروپایی ها باید با روسیه در مورد یک راه حل صلح صحبت کنند که نگرانی های امنیتی روسیه را برآورده کند و در عین حال اوکراین مستقل و مستقل را حفظ کند. این امر مستلزم آن است که **ترامپ** هم لابی داخلی اوکراین و هم گروه اتحادیه اروپا را به چالش بکشد. همچنین وظیفه بلند مدت عقب نشینی ایالات متحده از **نا تو**، تغییر شکل دادن به سازمان به گونه ای که اروپایی ها مسئول امنیت خود باشند، ضروری است. اگرچه **ترامپ** در دوره اول ریاست جمهوری خود به شدت از متحدان انتقاد کرد، اما دولت او در واقع تعداد نیروها و پول خرج شده برای اروپا را افزایش داد.

نتانیا هو نماینده منطقه دیگر با دخالت آمریکا در یک درگیری بسیار داغ است - در واقع چندین مورد از آنها. نتانیا هو به دلیل استفاده بی شرمانه از درگیری برای ماندن در قدرت، مورد بی اعتمادی مردم خود قرار دارد. بدتر از آن، او جنگ تلافی جویانه را به جنگ نابودی تبدیل کرده است، زیرا کشتار بی پایان فلسطینی ها سرزمینی را برای شهرک سازی توسط خشن ترین و خشن ترین حامیان پاکستانی می کند. او **ترامپ** را فقط یک سیاستمدار آمریکایی دیگر می بیند که باید مورد دستکاری قرار گیرد و وقتی دیگر مفید نباشد کنار گذاشته شود.

رئیس جمهور منتخب همچنین نشان داد که در برابر جذابیت های عجیب ولیعهد سعودی محمد بن سلمان آسیب پذیر است، که دولتش سرکوب تر از **چین**، **ایران** و **روسیه** است. محمد بن سلمان آمریکایی ها را به دلیل انتقاد از او زندانی کرده است. عوامل او **جمال خاشقجی**، روزنامه نگار و مقیم آمریکا را به قتل رساندند و آنها را به قتل رساندند و دولت ترامپ به عنوان وکیل مدافع او عمل کرد. پس از تسلیح پادشاهی عربستان سعودی در مبارزات نسل کشی خود علیه یمن، دولت ترامپ از ریاض خواست اسرائیل را به رسمیت بشناسد، که آمریکا باید برای آن هزینه کند: **محمد بن سلمان** خواستار تضمین دفاعی و انرژی هسته ای بدون مقررات است. اگرچه ترامپ طرفدار جدایی از افغانستان و سوریه بود، اما به یک بوروکراسی غیرصادقانه و جنگ طلب اجازه داد که توسط مقاماتی مانند جیم جفری سرلوحه آن قرار گرفته بود تا جلوی برنامه های او را بگیرد.

ترامپ همچنین ایران را هدف قرار داد، اگرچه هیچ تهدیدی برای آمریکا نبود و می توانست توسط اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس مهار شود. **نتانیا هو** از ترس و غرور ترامپ برای فشار دادن ایالات متحده به جنگ با تهران که کل منطقه را ویران خواهد کرد، بازی کرد. رئیس جمهور منتخب این بار نمی تواند چنین فشاری را تحمل کند.

لای تثلیث تهدیدات را کامل می‌کند. اگرچه **چین** یک چالش اقتصادی جدی است، اما تهدید نظامی کمی برای آمریکا به همراه دارد. مسئله امنیت ایالات متحده نیست - هیچ کس به طور جدی باور نمی‌کند که جمهوری خلق چین قصد دارد یک ناوگان نظامی به سمت هاوایی یا کالیفرنیا راه اندازی کند. در عوض، پکن تلاش و اشنگتن برای حفظ سلطه خود تا سواحل چین را به چالش می‌کشد. تایوان به همان اندازه که کوبا به آمریکا نزدیک است به چین نزدیک است و دولت کندی تقریباً در سال (1962) وارد جنگ شد تا از استقرار نظامی شوروی در جزیره دوم جلوگیری کند. آمریکا هیچ منافع حیاتی در جنگ تایوان ندارد.

ترامپ نسبت به سیاست‌های تایپه، به‌ویژه نگرش بی‌رویه آن نسبت به دفاع از خود ابراز تردید کرده است و با ید علیه کسانی که آماده خطر جنگ هسته‌ای بر سر جزیره هستند، عقب نشینی کند.

شبه جزیره کره حتی خطرناک تر از زمانی است که ترامپ قدرت را ترک کرد. با این حال، در طول دوره اول خود، او تنها راه ممکن برای راه حل را مشاهده کرد. و اشنگتن باید با **پیونگ یانگ** تعامل کند. در غیاب مذاکرات با کره شمالی بر سر هد فاش، اساساً کنترل تسلیحات با معاوضه کاهش تحریم‌ها برای محدودیت در توسعه هسته‌ای کره شمالی، احتمالاً پیونگ یانگ به گسترش تعداد سلاح‌های هسته‌ای و افزایش دقت و برد موشک‌های خود ادامه خواهد داد. زمانی که کره شمالی بتواند شهرهای آمریکا را نابود کند، ایالات متحده مجبور خواهد شد در اتحاد خود با کره جنوبی تجدید نظر کند.

ترامپ قبلاً به سئول هشدار داده است که می‌خواهد هزینه بیشتری برای دفاع از و اشنگتن بپردازد. بهتر از این هم پیشنهاد ترامپ برای خروج نیروهای آمریکایی از شبه جزیره بود. جنوب بیش از 50 برابر تولید ناخالص داخلی و دو برابر جمعیت شمال است. چرا ROK نباید دفاع خود را انجام دهد؟ در مورد تهدید هسته‌ای پیونگ یانگ، کره جنوبی حمایت قابل توجهی از بازدارندگی هسته‌ای خود دارد، چیزی که **ترامپ** نیز پیشنهاد کرده است. هیچ جایی بهتر از کره‌ها وجود ندارد که بگذارند ترامپ ترامپ باشد و با شمال مذاکره کند و رابطه آمریکا با جنوب را متحول کند.

بسیاری از اصول مشا به در مورد ژاپن، فیلیپین و دیگر متحدان و شرکای ایالات متحده در منطقه اعمال می‌شود. آمریکایی‌ها نباید برای Scarborough Shoal، Mischief Reef یا جنجال‌های پیرامونی مشا به بمیرند. و اشنگتن به درستی نگران استقلال چین کشورهایی است، اما چین استقلال آنها را تهدید نمی‌کند. علاوه بر این، دادن چک دفاعی سفیدبه چنین کشورهایی، ایالات متحده را در معرض خطر بزرگی قرار می‌دهد.

دولت بایدن، مانند بسیاری از پیشینیان خود، بیشتر به آنچه مقامات خارجی می‌خواهند توجه داشت تا آنچه آمریکایی‌ها نیاز دارند. هیستری به سختی مهار شده در خارج از کشور در مورد انتخاب ترامپ نشان دهنده ترس از این است که دوران خوب برخورد با

عموماً ممکن است این بار واقعاً به پایان برسد. برای موفقیت، رئیس جمهور منتخب باید نظم و انضباط نامشخصی از خود نشان دهد و سونامی چاپلوسی را که در راه است، نادیده بگیرد. در نهایت، مهم‌ترین وظیفه ترامپ نه گفتن و تکرار آن خواهد بود. تنها در این صورت است که او می‌تواند برنامه‌ی خود را برای «بزرگ کردن دوباره آمریکا» دنبال کند.

درباره نویسنده

داگ باندو عضو ارشد موسسه کاتواست. دستیار ویژه رئیس جمهور سابق که در سیاست خارجی و آزادی‌های مدنی متخصص است. او به عنوان دستیار ویژه رئیس جمهور رونالد ریگان و سردبیر مجله سیاسی Inquiry کار می‌کرد. او به طور منظم برای نشریات برجسته مانند مجله فورچون، نشنال اینترست، وال استریت ژورنال و واشنگتن تایمز می‌نویسد.



داگ باندو

با تقدیم احترامات «2024-11-28»
.....